

متن پرسش

سلام استاد: دلنوشته‌ای نوشتم و دوست داشتم نظر شما را در این باب بدانم ممنون. یک روز صبح بعد از طلوع آفتاب تو ایوان مقصوره روبه رو گنبد طلا نشسته بودم؛ (حدود ۵ ماه پیش) داشتم فکر می‌کردم و با امام خودم حرف می‌زدم دنبال بهترین چیز بودم که از امام بخواهم تا شامل شعر معروف (گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست) نشوم. داشتم فکر می‌کردم و رسیدم به اینجا که بزرگان از تو چی خواستند امام راحل، حضرت آقا، امام صدر، امام مغنیه، سید حسن نصرالله، شهید سلیمانی و امروز هم باید بگم شهید رئیسی. اینها از تو چه خواستند که این قدر تو دل ما مسلمانان جا پیدا کردند که این قدر دردانه شدند که این قدر سبب تذکر به شما اهل بیت شدند؟ می‌گفتم که همان دقیقا همان را هم روزی ما کن و لیاقتش را هم به ما بده. نمیدونم امروز دوباره تو ایوان مقصوره دارم می‌نویسم و فکر می‌کنم می‌گم شاید رئیسی از تو چیزی نخواستی بود که اینقدر مظلوم بود شاید رسم اینه که باید تا هستی مظلوم و مغفول باشی و وقتی رفتی تازه یادمون بیاری چی بودی که شاید چند صباحی بعد یکی بیاد بگه امام رضا این بنده خدا کی بود و چی خواسته بود که این شد مگه چیزی هم خواسته بود مگه میتونست بخواد مگه رسم این نیست که فقط طلب توفیق نوکری کنی و بخواهی که در عهد ولی بمانی مگه غیر از این بود که فقط گوش بود به فرمان شما از زبان ولی روزش. مگه کدوم انسان عاقلی حرم را ول میکنه بره قوه؟ کی جایی که همه دوستش دارند را رها میکنه و میره جایی که محل تهمت و افترا هست مگه اینکه چیزی نخواد اونی این کار را میکنه که هیچی نخواد و فقط فقط رضایت ولی را طلب میکنه. اونی این کار را میکنه که در بند همه هیچی‌هاست کسی ابن کار را میکنه که همه جا را محل خدمت می‌بینه. کسی این کار را میکنه که فکر میکنه کل عالم روضه و حرم ابی عبدالله یک استکان جابجا کردند دیده میشه کسی این کار را میکنه که میخواد یکی ببینه. کسی این کار را میکنه که دوست داره برای امام زمان ریا کنه. کسی این کار را میکنه که خودش را فقط در زیر سایه یابن الحسن استوار میبینه و میتونه کار کنه. آدم عاقل ابن کار را نمیتونه انجام بده. البته آدم عاقل دنیای امروز آدمی که درگیر عقل دنیای جدید است و فهمی از خارج از این دنیا ندارد. شکر خدا را که در انقلاب اسلامی بر این دنیا زندگی می‌کنم شکر که امام خمینی آمد فهم اصیل سبک زندگی درست عقل واقعی را نشان داد. شکر در زمانی زندگی می‌کنم که شیعه سربلند زندگی می‌کند. مدیون امام و دلداگان به اویم دلداهای مثل سید ابراهیم رئیسی. شکر در زمانی زندگی می‌کنم که اجتماع عالمیان را به برکت انقلاب در اربعین حسینی می‌بینم. شکر دارم روزی را می‌بینم که مردم غزه خود در برابر غاصبان قد علم کرده‌اند و در تمام مظلومیت به جهان اثبات کردند که حق با کیست. شکر در

کشوری زندگی می‌کنم که الگو برای مظلومان است. شکر که در کشوری زندگی می‌کنم که صاحب دارد آن هم چه صاحبی حجه بن الحسن و شکر که نایبی دارد آن هم چه نایبی سید علی خامنه‌ای که عاشق و شاگرد خمینی است. حال چه بگویم که رهبرم با جمله‌ای آتش زده بر دلمان که چرا شناختیم رئیسی را که اگر شاید خود حضرت آقا آمده نمی‌کرد اصلاً ابراهیم رئیسی ای را نمی‌شناختیم. رئیسی حاصل خود حضرت آقااست و آقا از نا شکری ما به سوز آمد و گفت دلم سوخت دلم برای رئیسی سوخت. فدای دل سوخته‌ات شوم نکند ما هم ناشکری کنیم و از این انقلاب و ثمراتش بی بهره و رویگردان شویم و قلب امام زمان را به درد آوریم؟ نکند روزی بیاید که بشنویم از زبان صاحب الزمان که دلم سوخت دلم برای خامنه‌ای سوخت؟ نکند ناشکری کنیم و از دست بدهیم رهبر خود را؟ حال تو بگو به این همه لطف و کرم ما دگر از این خاندان چه می‌توانیم بخواهیم جز اینکه ما را مطیع خود کنند. جز اینکه اگر ناشکری کردیم نشنوند جز اینکه اگر دست کشیدیم از خودشان و نائبانشان دوباره از ما دستگیری کنند جز اینکه سایه خودشان را از سرم ما کم نکنند بدانیم والله والله در جایی زندگی می‌کنیم که ره صد سال در یک شب طی خواهد شد همه چیز مهیاست بستر آمادست این بی عرضگی من است که نمی‌توانم و فقط می‌خواهم و جز این طلب ندارم که عزم عرضه را به من عطا کند همین الان یادش افتاد شهید زاهدی حج حسین خرازی شهید کاظمی زاهدی ماه رمضان ما ره و شب‌های قدر ما را زینت بخشید و یاد داد چه طور باید با مولا عشق بازی کرد چه طور می‌شود ساده بود چه طور می‌شود یک اصفهانی بود یا امام زمان ما را بخر.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: خدا می‌داند داستان حضور ما در این زمانه، همان حضوری است که شما متوجه شده‌اید. حقیقتاً «درهای گلستان ز پی تو گشوده‌اند» تا در زندگی زمینی تا این اندازه آسمانی و بهشتی و انسانی زندگی کنیم و نمونه و سبکی باشیم که اتفاقاً بشر آخرالزمان با آن ظرفیتی که دارد به دنبال آن است باید نه تنها قدر دانست، بلکه باید به راهی که در این زمانه مقابل ما گشوده شده است، قدم گذاشت و مطمئن شد: «در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم / سرزنش‌ها گر کُند خارِ مُغیلان غم مخور» و این یعنی حضوری که شهید جمهور آیت الله رئیسی در این تاریخ متوجه او شد و این یعنی همسرِ فاضل و بصیر آن شهید بزرگوار. <https://eitaa.com/matalebevijeh/16905> . و https://eitaa.com/mahdian_mohsen/1085 موفق باشید